

من پشت کسی حرف نمی‌زنم

● علیرضا متولی

دیگران حرف زدن، غیبت کردن است. مادرم که داشت به حرف‌های ما گوش می‌کرد، گفت: «حالا خوب است خانم معلّمتان به شما گفته نباید پشت سر کسی حرف بزنید. شما که دارید پشت سر نرگس حرف می‌زنید!»

من زود از دوستم خداحافظی کردم. مادر راست می‌گفت. به مادرم گفتم: «اگر کسی از اشتباهش پشیمان شود، خدا او را می‌بخشد؟»

او گفت: «البته! اما باید از کسی که پشت سرش حرف زده‌ای، عذرخواهی کنی.»

گفتم: «اما من اگر به نرگس بگویم پشت سرش حرف زده‌ام، بیشتر ناراحت می‌شود و دعوایم می‌کند!»

مادرم گفت: «پس برایش دعا کن و از خدا بخواه تا اخلاق نرگس خوب شود. وقتی اخلاقش خوب شد از او عذرخواهی کن. دیگر هم پشت کسی حرف نزن!»

من داشتم با دوستم تلفنی درباره‌ی نرگس حرف می‌زدم. نرگس همکلاسی هر دوی ماست. او اخلاق خوبی ندارد و همیشه دنبال بهانه‌ای می‌گردد تا دعوا راه بیندازد. من به دوستم گفتم: «نرگس دختر خوبی نیست. آن روز یادت هست پیش خانم معلّم فضولی فاطمه را کرد؟ خانم معلّم هم خیلی عصبانی شد و گفت چرا پشت سر فاطمه حرف می‌زنی؟»

دوستم گفت: «بله! او خیلی کار بدی کرد. یادت هست خانم معلّم گفت هرکس پشت سر دیگران حرف بزند، گناه بزرگی انجام داده؟»
گفتم: «یادم هست. خانم معلّم گفت پشت سر

